

صدرا عبداللہی بہ دلیل پس زمینه علمی اش (جامعہ شناسی) در سینما بہ دنبال طرح و نقد علمی جریانات موثر در ساختار سیاسی جوامع است و این نگاه را از مستندہایش تا اولین ساخته بلند سینمایی خود (بر باد رفته) دنبال کرده است. بہ همین دلیل این مصاحبہ نیز بیشتر حول محورهای ضمنی فیلم شکل گرفت است.

پیش زمینه های فکری بہ نگارش فیلمنامہ و سپس ساختن فیلم بر باد رفته، انجمنیہ کدام ہا بود یا بہ عبارت سادہ تر بر باد رفته، از کجا شروع شد؟

ہمیشہ این سالہہ دفعہ دہنی ام بودہ کہ در این چند دہہ اخیر، چند ریشہ ہای وقایع مہم تاریخی در آثار ہنری نام مہرب بررسی فرار گرفته و اسنادی کہ محققین اجتماعی در سال ہای بعد بخوانند بہ آنہا رجوع کنند کجاست؟

این کہ چندتر موفق بودہ یا بہ دام کلی گویی افتادہ و مسائل دیگر را شما باید بگویید. شاید بتوانم جواب بدہم و شاید خودی در اہمیت طرح سالہ و نفس اقدام هیچ شکنی ندارم.

چندتر بہ ارتباط عامہ تماشاگران یا ساندہ اجتماعی کہ در قالب فیلم از انہ می کردید اہمیت می دادید؟

این قطعاً برای من مہم بودہ چون اساساً اعتقاد دارم کہ یک اثر ہنری تا زمانی کہ درگیر ساختن آن ہستیم متعلق بہ ماسختہ بہ محض اتمام کار و از انہ تبدیل بہ یک کالای فرہنگی می شود کہ حتی مدعیان دیگری پیدا می کنند. معلوم است کہ بہ عنوان سازندہ این کالا، دلم می خواہد مشتریان بیشتری داشتہ باشم و گر نہ

فیلمی کہ چہار نفر آن را ببینند مثل مجلہ ای است کہ خوانندگان آن فقط حیات تجربیہ و اطراف انہا باشند یعنی کسانی کہ مہربا و ہمسوا با مقالات آن مستند و تحول تازہ ای از خواندن آن درشان اتفاق نمی افتد. بنابراین من ہم بہ سازوکارہایی برای جذب تماشاگر فکر کردہ بودم بخصوص کہ این فیلم فیلمی است کہ باید اول مستند داشتند و از دید جذب آن شدہ، بعداً اگر کسی دوبارہ بہ روابط مطرح شدہ از آن وقت است کہ من موفق ہستم. فیلمی نیست کہ درگیری لحظہ ای ایجاد کند و طبق

الگویہای سینمای کلاسیک ہدایت یارنداری الگودہدہ نگاہ مکتوبہ بیرون از سینما پیدا تماشاگر تأمل کند و ببیند چندتر دربارہ او و اجتماع اطراف او ساختن گفتم تا شاید بہ دیگران ہم تماشای آن را پیشنهاد کند یا خودش برای بار دوم آن را ببیند تا بہ گونه ای دیگر جمع برای جذب این تماشاگر ہم از اثر انہا بیسینما استفادہ کرد مثل

بازریگر. در بیضاغت بازریگری سینمایی خودمان دنیبال سورئاستارہایی گفتم کہ جنبہ ستارہ پوششان بنیواند مہربا بہ نیاہای قلمہ باشد و احياناً سورئاز آن نشود و بہ کرمی و فروتن رسیدم و فکر می کردم در جنبش بازی ہمیشگی انہا اتفاق تازہ ای افتادہ است و تپ و تاب جدیدی خلق شد کہ مانع از تقدیم قلمہ

فیلم نمی شوند. (سینما جا بگویم در سینما بہ بازیگر معتقد نہ تازیگر) در ہمین جا می بینم کہ فیلم جدیدہ تم عمل کردہ، در میزسنن ہا، تریک صحنہ ہا، نام... اما برای احتراز از دلیل پیچیدگی بیشتر بہ اصل ماجرا از انہا پرهیز کردہم. بہ همین دلیل معتقدم اگر فیلم در زمان خودش با مہین حالام در موقیعت بہتری و با اطلاع رسانہی مناسب تر اکران می شد تماشاگر بیشتری پیدا می کرد.

ضمناً این فیلم بہ زعم و بیگانی ہمسایہ مہم ہا دارد و آن مسئول بودنش است چرا کہ فرغ از حمایت مستند ہندی ہای خاص سینمای ایران، و دستہ بندی ہای جشنوارہ ای ساخته و اکران شد. یعنی می تواند نمونہ ای از یک سینمای مستقل باشد کہ فرغ از دفعغہای گروہ بندی ہای مختلف، صرفاً فرغ دفعغہ ہای سازندہ اش را انعکاس می دہد. این اتفاق بود کہ دوست داشتم بمتقد و خوشبینانہ ہم افتاد.

با توجه بہ اینکہ فیلم محصول «ہدایت فیلم» است چطور آن مستقل ارزیابی می کنید؟

خب طبق قوانین فیلسازی کشور ہم فیلم باید در دفتر معتبری ثبت شود و روند امور اداری آن توسط آنجا پی گرفته شود. بہ نظر می رسد قہرمان ہای شما شریفی و «دیگہمینہ»،

گفت و گو با صدرا عبداللہی کارگردان فیلم «بر باد رفته»

بہ دنبال سینمای مستقل خوش ساخت و راستگو



پیمان شوقی

بہ عشقی کہ فیلم قہرمان کردہ است را نمی دہد و این جای افسوس باقی می ماند.

بہ نوعی با حرف شما موافق ولی این نکته را ہم در نظر بگیری کہ این مانتن در سطح ممکن است اصلاً نیاز قلمہ باشد و در فیلمنامہ ہم طرحی خاص نیست.

نمی گویم مباحث در سطح می ماند ولی سرمایہ کہ بر روابط موجود در فیلم کار است اجازه نمی دہد تماشاگر با زمینہ سینما درگیر شود و شاید این را بتوانیم بہ حساب تجربہ اول بودن فیلم بگذاریم.

چون تمام این سردی فضا از ابتدا منظور نظر من بود و در صحبت ہایی کہ با فیلمبردار، با بازیگرہا داشتم بہ دنبال آن بودم. چون روح و باطن قلمہ بہ نظر مہربا فضای سردی کہ تصادفاً در شکل می داد. ضمن اینکہ در زمان ساخت فیلم منتر از وقایعی بودم کہ در اطراف شکل می گرفت و دلالت بر نوعی سردی و عدم اعتماد داشت کہ بہ من فیلساز اجازہ

نمی دادہ بہ دروغ گرم و دایزیری برای طرح تاریخیم از اجتماع ارانہ دہم. آن وقت تماشاگر بہ این می رسید کہ من ہم یک نفر دیگر گفتم کہ اعدہ ام گوشش بنگدار از کف شد.

ساختن مثلث عشقی بہ کنار، ولی واقعاً اگر وجہ عاطفی یا عاشقانہ مثلث بزرگ تر بود و حرف ہای اصلی در بطن داستان بازیابی یک عشق از دست رفته مطرح می شدند تأثیر گذار تر نمی شد؟

واقع حکایت فیلم ربطی بہ عشق و بازیابی آن ندارد. صرف نظر از وقایع زمان گذشته و جنبہ های لحظہ ای، اصولاً عشقی در کار نیست بلکه یک جور روایت مطرح است. نتیاً کاری کہ می شد کرد

ہمین بود کہ اصلیت تیمہی از بازگشت تا آخر فیلم پنهان بماند و کشف دلیل آن، بہ نوعی پائنتیل تعقیب قلمہ از طرف تماشاگر باشد. این فکر می کنید شاید بدون روی این نکته تأکید بیشتری می کردم کہ فرضا تین تیمہی از بہ دست آوردن جزیرہ، بہ دست آوردن دوبارہ شرف است.

اتفاقاً نکته انجاست کہ کدہای فیلم ہمین را می گوید. البتہ شاید تماشاگر عام این کدہا را نکیرد ولی در تمام فیلم شاهد تلاش ہای تیمہیہ برای عاطفی تر کردن روابطش با شریف هست. منتہنما تأکید روی وجہ مادی حضور و خواست ہای زن و سنگینی تحلیل ہای طرح ہدہ اجازہ رفتن

خلاصہ این شدہ حسرت من کہ بتوانم روزی فیلمی بسازم کہ از ہایبان از جایگاہ درست و دانشناسی حرف بزنند و رفتار کنند یعنی در جایگاہ واقعی خودشان باشند، تا ببینیم اصلاً مخاطب را جلب خواہد کرد یا نہ.

با توجه بہ دفعغہ ہای شخصی و اولام گل در فیلم بلند، تولید فیلم چطور بود؟

انتخاب اولیہ همکاران براساس شناختم از توانایی ہای حرفہ ای شان و حداقل تفاهم در راستای همکاری مشترک بود. اولین صحبت من با آنہا این بود کہ میزان حرفہ ای بودن یا نبودن را نوع برخورد ما با فیلمنامہ تعیین می کند. یعنی ہم ما با علائق و دیدگاہ ہای مختلف وظیفہ ای نسبت بہ این فیلمنامہ پذیرفتہ ایم

و در راستای ہویت خودمان بہ آن وظیفہ عمل می کنیم. خوشبختانہ می توانم ہمین جا اعلام کنم کہ از ہمہ عوامل - کہ جز فیلمبردار، همگی انتخاب اولم بودند - رضایت دارم. البتہ مثل

کار کردی، پرژوہ ما ہم از حاشیہ ہای دردرسارہا بہ سہارہ بی نبودہ می توانست شیرینی کل قلمہ را از این ببرد. من تا جایی کہ شد سعی کردم از این حاشیہ ہا بہ سود فیلم بہرہ ببرم. مثلاً در

اولیال کار حس کردیم بین خانم کرمی و آقای فروتن رقابتی شکل گرفته کہ بہ نظرم در راستای نقش شان در فیلمنامہ بود و می توانست بہ نفع فیلم باشد. اما از جایی دیدم کہ ادامہ این وضع

بہ روند کار منکم است لہذا بنزد دیگر مقابل قضیہ ایستادم و سوتفاهم ہا را رفع کردم چون فاصلہ ہا داشت زیاد می شد و باید کنترل می شد. الآن احساس می کنم بین نقش عوامل بالاسی وجود دارد کہ موجب هماہنگی کل کار شدہ و هیچ چیز بیرون نمی زند.

از شکل فعلی فیلم - فیلمی کہ بہ نمایش درآمده - راضی هستید؟

تختسین بار کہ چندی پیش و پس از سال ہا فیلم را پردہ پردہ در لابراتوار دیدم بہ نظرم آمد کہ فیلم خوبی ساخته ام. ہم مشکل آبرومندی دارد و ہم واحد ظرفیت کافی برای انتقال آیدہ میام کہ البتہ بہ نقاط ضعف آن بہ عنوان یک کار سینمایی بہتر از هر کسی فاقم هستم و این عیب و نقیصہ نمی دانم اما

می توانم اعدا کنم شیوع نامی برای یک جور سینمای مستقل و متمہد در بدوئلہ بندیہ سینماست. سہارہ دلم ہم سکوت منتقدین فیلم بدل آزارتر شدہ است چون آن را سکوت در قبالت ہمراہی مردم و مواضع مردم می بینم نہ یک فیلم کلی. حتی بیشتر منتظر نقہای منفی و اظهار نظراہی تند ہستم چون بہ اصلاح سینما کمک می کند ولی سکوت بہ نظرم توجیحی ندارد.

بہ نظر شما بر باد رفته، یک پیشنهاد یا آغازگر راہ تازہ ای در سینمای ایران خواہد بود؟

دستکم خودم من کہ این مسیر را ادامہ می دہم چون بہ خاقنبت آن و نقد فرہم در جامعہ اعتقاد دارم، سینمای زیافروش ترویجی ما حل نمی کند و آن سینمای مثلاً معتزلی کہ بہ قیمت توجیہ و مستقیم بہ مردم و طرح جشنوارہ ہا مطرح می شود و بازار

عاطفی پیدا می کند و سہاروی دیگر مہربا گمان کہ اگر فیلسازی واقعاً جرات طرح مسائل اجتماعی را دارد نباید بہ معلول ہا بریزد و زرخ و از تازہ کند. اگر واقعاً جرات دارند بروند راجع بہ

نست بہ فیلم بسازند. گاہی فکر می کنم سینمای کادہ مخلصی غلبت بہ خیل از تولیدات سینمایی این سال ہا ما شرافت دارد چون در زمانہ نجوم سینمای ہالیوود و ایلیوود امثال آلتا توانست

پنهان از این سال ہا را فرصت ہایی کہ از دست دادہ ام. هنوز ہم بازخوردہایی از آدم ہای جامعہ، آدم ہای سیاسی و دیگران می بینم کہ در ادامہ این مسیر مصمم تر شدہ ام.

سینمای فیلماش، یک سینمای خوش طاهر راستگو و امیدوار بودہ کہ کمابیش این رنگی ہمہ کدہای دیگر کہ ببینند چنین سینمایی ہم می تواند مطرح باشد و دخل و خرج کند. راستش طی این ۱۰ سال فکر نامید شدہ بودہ ولی الآن با گذشت

این سال ہا را فرصت ہایی کہ از دست دادہ ام. هنوز ہم بازخوردہایی از آدم ہای جامعہ، آدم ہای سیاسی و دیگران می بینم کہ در ادامہ این مسیر مصمم تر شدہ ام.

بہ نظر من کہ این مسیر را ادامہ می دہم چون بہ خاقنبت آن و نقد فرہم در جامعہ اعتقاد دارم، سینمای زیافروش ترویجی ما حل نمی کند و آن سینمای مثلاً معتزلی کہ بہ قیمت توجیہ و مستقیم بہ مردم و طرح جشنوارہ ہا مطرح می شود و بازار

عاطفی پیدا می کند و سہاروی دیگر مہربا گمان کہ اگر فیلسازی واقعاً جرات طرح مسائل اجتماعی را دارد نباید بہ معلول ہا بریزد و زرخ و از تازہ کند. اگر واقعاً جرات دارند بروند راجع بہ

نست بہ فیلم بسازند. گاہی فکر می کنم سینمای کادہ مخلصی غلبت بہ خیل از تولیدات سینمایی این سال ہا ما شرافت دارد چون در زمانہ نجوم سینمای ہالیوود و ایلیوود امثال آلتا توانست

پنهان از این سال ہا را فرصت ہایی کہ از دست دادہ ام. هنوز ہم بازخوردہایی از آدم ہای جامعہ، آدم ہای سیاسی و دیگران می بینم کہ در ادامہ این مسیر مصمم تر شدہ ام.

تحقیقات ہستہ ای از منظر حقوق بین الملل

دکتر فرہاد پروین



ہستہ ای کہ ایران ہم در ۲۲ دی ۱۳۴۸ بہ آن ملحق شدہ است، پژوهش ہای ہستہ ای صلح جویانہ بہ طور مکرر تأیید و تشویق شدہ است. در مقدمہ این گزارش، ازجملہ اهداف آن: پشتیبانی از مجاہدات معمولہ در راہ تحقیق و توسعہ، ذکر شدہ است و نیز تأکید شدہ کہ: «کلیہ طرف ہای این پیمان حق دارند در تبادل ہرچہ وسیع تر اطلاعات علمی شرکت کردہ و بہ منظور بسطی استفادہ از انرژی اتمی برای مقاصد صلح جویانہ، بہ طور انفرادی و با یا ہمکاری سایر دول، اقدام کنند.»

بویژہ در مادہ ۴ معادہ N.P.T. (بند یک) تأکید شدہ کہ حق توسعہ تحقیقات علمی، بدون تبعیض باید برای ہمہ کشورہای عضو، محترم شمردہ شود:

«هیچ یک از مقررات پیمان حاضر، بہ نحوی تعبیر نخواہد شد کہ بہ حقوق غیرقابل تفویض ہر یک از دول طرف پیمان در راہ توسعہ تحقیقات و تولید و بہرہ برداری از انرژی ہستہ ای بہ منظور ہای صلح جویانہ - بدون تبعیض و طبق مقررات مواد ۱ و ۲ پیمان حاضر - لطمہ وارد کند.»

در N.P.T. ہم تحقیقات در مورد انرژی اتمی بہ عنوان یک حق و ضرورت بہ رسمیت شناختہ شدہ است و ہم سایر کشورہا موظف شدہ اند بہ این تحقیقات کمک و نیز در آن تشریک مساعی کنند. طبق بند ۲ مادہ ۴ پیمان منع گسترش سلاح ہای ہستہ ای:

«کلیہ دول طرف پیمان متعهد می شوند - مبادلہ ہرچہ وسیع تر تجهیزات و مواد، اطلاعات علمی و تکنولوژیک را بہ منظور مصارف صلح جویانہ انرژی ہستہ ای تسہیل کنند و حق مشارکت در این مبادلات را دارا ہستند. بہ علاوہ طرفہای پیمان کہ قادر باشند باید ہمچنین بہ طور انفرادی یا بہ اتفاق سایر دول یا سازمان ہای بین المللی - در توسعہ بیشتر استفادہ از انرژی ہستہ ای برای مقاصد صلح جویانہ بخصوص در سہرزمین ہای طرف پیمان کہ فاقد سلاح ہای ہستہ ای ہستند، با توجہ لازم بہ احتیاجات مناطق در حال رشد جهان، تشریک مساعی کنند.»

بنابراین منع پژوهشگران و محققان ایرانی از پژوهش با اصول کلی حقوقی و اسناد حقوقی پایه ای حقوق بشر و نیز با معادہ جهانی منع گسترش سلاح ہای اتمی در تعارض کامل است و در صورت وجود تعلیق داوطلبانہ، امر نمی تواند باعث منع تحقیقات ہستہ ای بشود، زیرا عمل داوطلبانہ، تمہد حقوقی محسوب نمی شود و حق پژوهش و تحقیق از حقوق بشری و جز لاینفک ذہن و توجہ است و نیز یک ضرورت برای کشور در حال توسعہ است.

یکی از منابع حقوق بین الملل، اصول کلی حقوقی مشترک بین کشورہا است. یکی از اصول مباح حقوقی، اصل جواز یا عدم ممنوعیت است. گفتنی است از ہمچو یک از منابع حقوق بین الملل، منعی برای تحقیق و پژوهش ذکر شدہ است و در اسناد بنیادی حقوق بشر، حق تحقیق علمی و بہرہ مندی از پیشرفت ہای علمی از حقوق متعلق بہ بشر ذکر شدہ است. در مادہ ۲۷ اعلامیہ جهانی حقوق بشر ذکر شدہ کہ: «ہر کس حق دارد از ادانہ فر زندگی فرہنگی اجتماع شرکت کند، از فنون و ہنرہا منتفع شود و در پیشرفت علمی و فواید آن سہیم باشد.»

بہدینہ است کہ پیشرفت علمی جامعہ کہ گروہ توسعہ تحقیقات و پژوهش ہای علمی است. در مادہ ۱۵ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرہنگی نیز ذکر شدہ کہ:

۱ - کشورہای طرف این میثاق، حق ہرکس را در امور ذیل بہ رسمیت می شناسند:

الف - شرکت در زندگی فرہنگی ب - بہرہ مند شدن از پیشرفتہای علمی و مجاری آن

ج - بہرہ مند شدن مصنف (یا مخترع) از حمایت منافع معنوی و ناشی از ہرگونہ اثر علمی - ادبی یا ہنری

۲ - تدابیری کہ برای تأمین اعمال کامل این حق از سوی کشورہای طرف این میثاق اتخاذ خواہد شد، باید شامل تدابیر لازم برای تأمین حفظ توسعہ و ترویج علم و فرہنگ باشد.

۳ - کشورہای طرف این میثاق متعهد می شوند کہ آزادی لازم برای تحقیقات علمی و فعالیت ہای خلاقہ را محترم بشمارند.

۴ - کشورہای طرف این میثاق بہ فواید حاصل از تشویق و توسعہ ہمکاری و تماس ہای بین المللی در زمینه علم و فرہنگ اعتراف می کنند.

طبق بند ۲ مادہ ۱۵ میثاق مذکور در بند مادہ ۱۵ میثاق (مجاری آن) تحقیقات و پژوهشہای علمی را در ایران محترم بشمارند و ہمہ باید منطبق توسعہ و ترویج دانش و پژوهش باشند. ضرورت تحقیق و پژوهش در کشورہای طرف این میثاق بہ پیشرفت توسعہ یافتہ است. امروزہ «حق توسعہ»، یکی از حقوق اساسی و بنیادین نسل سوم حقوق بشر بہ شمار می آید.

پیشرفت ہای علمی مذکور در بند مادہ ۱۵ میثاق (مجاری آن) جز از طریق پژوهش و تحقیق امکان پذیر نیست. در اسناد بین المللی در مورد توسعہ و تشویق تحقیقات علمی منع یا محدودیتی در مورد پژوهش ہای طرف این میثاق بہ سایر موضوعات علمی دیدہ نمی شود، بلکہ بالعکس، در پیمان بین المللی منع گسترش سلاح ہای